

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چگونه فرزندان راستگو داشته باشیم؟

عنوان: تربیت فرزند؛ چگونه فرزندان راستگو داشته باشیم؟

درس گفتارهایی از: مسعود بسیطی

با اهتمام: سارا انتظارخیر؛ زهرا مرادی

در بحث تربیت فرزند به دنبال آن هستیم که فرزندان واجد ویژگی‌های اخلاقی ارزنده گردد و از صفات و عادت‌های ناپسند دور بماند. یکی از خصلت‌های ارزشمند و بسیار مهم که والدین دوست می‌دارند فرزندان از آن بهره مند باشد، «راستگویی» است.

راستگویی رفتاری است که عقل به راحتی درستی و خوبی آن را تأیید می‌کند. عموم مردم، صداقت را خوب و ارزشمند می‌دانند، حتی اگر خود فرد صادقی نباشند؛ و از اینکه به آنها دروغ گفته شود، بدشان می‌آید، حتی اگر خود دروغ بگویند.

در حوزه تربیت دینی هم صداقت جایگاه ویژه‌ای دارد. تمام پیامبران و پیشوایان الهی مردم را به راستگویی دعوت کرده‌اند و از دروغ و دروغ‌گویی برحذر داشته‌اند.^۱ تا آنجا که اسلام یکی از ارکان اساسی و **شاخصه‌های برجسته‌ی دین را «صداقت» معرفی کرده^۲** و دروغ‌گویی را کلید همه‌ی پلیدی‌ها خوانده است.^۳

حال ببینیم چگونه می‌توانیم این خصلت ارزشمند را در فرزندانمان نهادینه کنیم و فرزندان راستگو (دین دار) تربیت نماییم.

^۱ . امام صادق - ششمین جانشین و هدایتگر پس از رسول خاتم - می‌فرماید: "إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا يَصِدُّقُ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ" یعنی: خدای عزوجل انبیاء را مبعوث نکرد مگر به راستی سخن و اداء امانت به نیک و فاجر: بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲.

^۲ . امیر مومنان اولین نشانه‌ی دین داری را صداقت و دومین مورد را امانتداری بیان فرموده‌اند: "إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عَلَامَاتٍ يَعْرِفُونَ يَهَا: صِدْقُ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ ...". بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۲۸۹. ؛ امام صادق نیز فرموده‌اند طولانی بودن رکوع و سجود فرد ملاکی بر خوب بودن یا دین داری او نیست. بلکه باید صداقت و امانت وی را بررسی نمود: "لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سَجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ قَدِ اعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ وَ لَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ أَدَاءِ أَمَانَتِهِ": بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۸. ؛ همچنین امیر مومنان فرموده‌اند: "لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرَكَ الْكُذِبَ هَزْلَهُ وَ جِدَّهُ" یعنی: بنده‌ای طعم ایمان را نمی‌چشد تا دروغ را ترک کند - چه به شوخی باشد چه جدی - بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۴۹.

^۳ . امام حسن عسکری - یازدهمین جانشین و هدایتگر پس از رسول خاتم - می‌فرماید: "جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتِ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكُذِبُ" یعنی: تمام پلیدی‌ها در اتاقی قرار داده شده و کلید آن دروغ است: بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۶۳.

اساسی‌ترین نکته‌ی قابل توجه در این حوزه آن است که به خاطر داشته باشیم آدمی فطرتاً به سمت خوبی‌ها و پاکی‌ها متمایل است. اما متأسفانه در بیشتر موارد پدر و مادر با سهل‌انگاری‌های خود باعث محجوب شدن فطرت پاک فرزندشان می‌گردند و بدین ترتیب نفس، او را کم‌کم به سمت بدی‌ها سوق می‌دهد.

برخی از این کوتاه‌ی‌ها در مراحل پیش از تولد فرزند (پیش از انعقاد نطفه، هنگام انعقاد نطفه، دوران بارداری) اتفاق می‌افتد و برخی دیگر به عملکرد والدین پس از تولد فرزند باز می‌گردد. بنابراین شاید به جای آنکه بگوییم «چگونه فرزند را مستگو تربیت کنیم» بهتر باشد بگوییم «چگونه فرزند دروغگو تربیت نکنیم!» چراکه اگر اشتباهات والدین نباشد، کودک به صورت فطری راستگوست و دروغ را قبیح می‌شناسد.

در بحث‌های تربیتی پیش از انعقاد نطفه تا دوران شیردهی به دفعات به والدین تذکر داده می‌شود که نواقص و بیماری‌های روحی پدر و مادر به کودک سرایت می‌کند. از این رو در این جلسه دیگر به بسط این موضوع در رابطه با صداقت و دروغگویی نمی‌پردازیم و تنها به ذکر این جمله اکتفا می‌کنیم که:

اگر نمی‌خواهید فرزند دروغگو داشته باشید از پیش از به دنیا آمدن فرزندان راستگویی را پیشه‌ی خود سازید.

حال می‌پردازیم به اشتباهات والدین پس از تولد فرزندشان که منجر به دروغگویی او می‌شود. ابتدا توجه شما را به سه نکته‌ی مهم جلب می‌کنیم و سپس دلایل شایع دروغگویی در فرزندان را ذکر می‌نماییم:

توجه به سه نکته‌ی مهم در تربیت فرزند صادق:

نکته‌ی نخست: همواره به یاد داشته باشیم خداوند حکیم، فرزندان ما را به گونه‌ای آفریده که فطرتاً به انجام خوبی‌ها - از جمله صداقت - تمایل دارند. پس اگر در رفتار آنها بی‌صداقتی دیده می‌شود، به دلیل کوتاهی ما در امر تربیت آنها و سوق دادن‌شان به سمت پلیدی‌ها از جمله دروغگویی است. توجه به این نکته - که پیشتر هم تذکر داده شده بود - سبب می‌شود به جای آنکه از رفتار فرزندان مان ناراحت یا حتی عصبانی شویم، احساس مسوولیت بیشتری در اصلاح رفتار آنها نماییم و به صورت جدی به درمان و تربیت صحیح ایشان بپردازیم.

نکته‌ی دوم: رفتارهای گوناگونی از جانب اطرافیان خصوصاً پدر و مادر سبب فاصله گرفتن فرزندان از صداقت می‌شود. یعنی همه‌ی کودکان به یک دلیل واحد دروغ نمی‌گویند. همه می‌دانیم یک پزشک حاذق برای هر بیماری که با دل درد به مطبش مراجعه می‌کند نسخه‌ی واحدی نمی‌پیچد. بلکه ابتدا سعی می‌کند تشخیص دهد این دل درد ناشی از چه عاملی است (سنگ کلیه؟ آپاندیس؟ گرفتگی روده؟ زخم معده؟ مسمومیت؟ ویروس؟ ...) و سپس بسته به تشخیص، راه درمان ویژه‌ای پیشنهاد می‌دهد. در مورد دروغگویی (این بیماری دردناک روحی) نیز همین گونه است. باید ابتدا علت و ریشه‌ی عدم صداقت فرزندان را تشخیص دهیم. سپس با توجه به آن عامل، راهی برای اصلاح این رذیله‌ی اخلاقی اتخاذ نماییم.

نکته‌ی سوم: باید برای یافتن علت دروغگویی فرزند و همچنین اصلاح آن به موقع و سریع اقدام نمود. اهمیت اقدام به موقع و مناسب درباره‌ی بیماری‌های جسمی ملموس‌تر از بیماری‌های روحی است. مثلاً برای همگان قابل قبول است که اگر به موقع علت سوزش معده‌ی بیمار تشخیص داده نشود و فرآیند درمانی مناسب برایش اتخاذ نگردد، پس از مدتی این ناراحتی ساده که چه بسا می‌توانست با یک رژیم غذایی اصلاح شود به زخم معده‌ای صعب‌العلاج و یا حتی به سرطان معده تبدیل می‌گردد. باید خاطر نشان

کنیم در مورد بیماری‌های روحی نیز اقدام درمانی سریع، اهمیت بالایی دارد. اگر ناهنجاری‌های رفتاری مانند دروغ‌گویی به موقع مورد بررسی و اصلاح قرار نگیرند می‌توانند به عادات جدی و بیماری‌های ریشه دار روحی تبدیل شوند که ریشه کن کردن آنها به راحتی میسر نباشد. بنابراین باید برای اصلاح دروغ‌گویی در فرزندان مان زود اقدام کنیم. خصوصاً اینکه دروغ‌گویی سبب می‌شود آدمی به سوی بدی‌های دیگر نیز کشیده شود.^۴

شایع‌ترین دلایل دروغ‌گویی در کودکان:

۱. دروغ‌گویی پدر و مادر

مهم‌ترین دلیل دروغ‌گویی فرزندان همین عامل است. تاثیرگذارترین الگوهای زندگی کودکان، پدر و مادر آنها هستند. چنانچه والدین دارای ویژگی اخلاقی خاصی باشند (مثبت یا منفی) فرزندشان نیز از ایشان تقلید می‌کند و همان ویژگی را کسب می‌کند.

به خاطر داشته باشیم تاثیری که از رفتار و عملکرد آدمی به اطرافیانش منتقل می‌شود بسیار بیشتر و ماندگارتر از نصیحت‌ها و تذکرات کلامی اوست. به عبارتی «دو صد گفته چون نیم کردار نیست». از همین روست که اهل بیت علیهم السلام به مردم توصیه فرموده‌اند: "مردم را با اعمال تان [به خوبی‌ها] دعوت کنید؛ نه با زبان تان".^۵

کودک نیز پیش از آنکه تحت تاثیر این جمله و خواسته‌ی ما قرار بگیرد که: «همیشه راست بگو» یا «هیچ وقت دروغ نگو»، تحت تاثیر رفتارمان قرار می‌گیرد. در این رابطه به دو نکته‌ی زیر توجه فرمایید:

- گاهی پدر و مادر آشکارا نزد کودک دروغ می‌گویند. مثلاً فرزندی ۷ سال دارد اما والدینش برای بهره‌مندی از تخفیف کودکان زیر ۵ سال در شهر بازی سن او را ۵ سال اعلام می‌کنند. سپس در پاسخ به اعتراض فرزندشان می‌گویند «اینجوری می‌توانی به جای ۲ وسیله با ۵ وسیله بازی کنی!» به این ترتیب فرزند از پدر و مادرش می‌آموزد برای جلب یک منفعت (یا دفع یک ضرر) می‌تواند دروغ بگوید.

- گاهی پدر و مادر دروغ آشکاری نمی‌گویند اما رفتارشان حاکی از تناقض است. مثلاً اگر کودک مهمان لیوان شربت را روی مبل بریزد، با خوشرویی و قربان صدقه رفتن می‌گویند «اشکالی ندارد. آب روشنایی است. پیش می‌آید دیگر. چیزی نشده با یک دستمال نمناک پاک می‌شود...» اما فردای آن روز وقتی کودک خودش دستش به استکان چای می‌خورد و سفره را خیس می‌کند با این جملات مواجه می‌شود: «مگر کوری؟ دست و پا چلفتی. تازه سفره را شسته بودم. چرا حواست را جمع نمی‌کنی؟...» فرزندمان با چنین رفتار دوگانه ای دچار سر درگمی می‌شود و به این می‌اندیشد که «بالاخره ریختن آب سبب روشنایی است یا دلیلی بر دست و پاچلفتی؟». کودک چنین نتیجه می‌گیرد که حرف‌هایی که به مهمان دیروز گفتید همه دروغ بود و تنها برای خوش آمد آنها بیان شده بود. پس او نیز می‌آموزد برای خوش آمد دیگران دروغ بگوید.

^۴ . امیر مومنان می‌فرمایند: "إِنَّ الْكُذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَالْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ" یعنی: دروغ انسان را به سوی

بدی‌ها هدایت می‌کند و بدی‌ها نیز به سوی آتش جهنم: بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۵۹.

^۵ . امام صادق - ششمین جانشین و هدایتگر پس از رسول خاتم - می‌فرماید: "كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ يَأْجَمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ يَأْسِينِكُمْ": بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۹۸.

۲. ترس از تنبیه و مجازات:

بچه‌ها از تنبیه شدن وحشت دارند. اگر قرار باشد صداقت، آنها را گرفتار تنبیه و مجازات کند، به سوی دروغ‌گویی متمایل می‌شوند. مادری که دیوار خط‌خطی شده‌ی پذیرایی را می‌بیند و با داد و عصبانیت فریاد می‌زند «چه کسی این دیوار را به این روز در آورده» در واقع در حال وسوسه نمودن فرزندش به پنهان کردن حقیقت است. چراکه کودک می‌داند پشت بند این فریاد، دعوا و تنبیه خواهد بود. به همین دلیل تقصیر را گردن دختر مهمان می‌اندازد که شب گذشته منزلشان بودند. خصوصا اگر این دختر همان کسی باشد که وقتی لیوان شربت‌ش روی میز ریخت قربان صدقه‌اش رفته بودند!

مثال دیگر: کودک در حال توپ بازی، قاب عکس روی دیوار را می‌شکند. پدر که از سر کار می‌آید متوجه شکسته شدن تابلو می‌شود و می‌پرسد «چه بلایی سر این تابلو آمده؟» بچه صادقانه ماجرای توپ بازی‌اش و شکسته شدن قاب را تعریف می‌کند. پدر با پرخاش سرش داد می‌زند «چرا مراقب نبودی؟ چند بار بگویم در خانه توپ بازی نکن. وقتی توپت را گرفتم و دیگر ندادم برای همیشه یادت می‌ماند. خانه جای توپ بازی نیست...» هفته‌ی بعد لیوانی از دست کودک روی زمین می‌افتد و می‌شکند. کودک یاد دعوا و تنبیه پدر می‌افتد. سریع تکه‌های لیوان را از پنجره به بیرون می‌اندازد و آشپزخانه را ترک می‌کند (تصور کنید این کار چه خطراتی را می‌تواند در پی داشته باشد؟ بریده شدن دست کودک در حین از بین بردن مدرک جرم، آسیب دیدن همسایه‌ی پایینی که مشغول پهن کردن لباس در بالکن است و تکه شیشه‌ای از آسمان به طرف سر و صورتش فرود می‌آید، ...). مادر که از بیرون می‌آید، کیسه‌های خرید را روی میز آشپزخانه می‌گذارد و ناگهان فریادش به هوا می‌رود. خرده‌های کوچک شیشه در پای مادر فرو می‌رود! چند لحظه بعد: «چه چیزی را شکسته‌ای؟» کودک: «من؟ هیچی. چیزی را نشکسته‌ام!»

بنابراین، والدینی که بچه‌های خود را تنبیه جسمی یا روحی می‌کنند و خصوصا در مواجهه با صداقت کودکان، برخوردی خشن و پرخاشگرانه دارند باید بدانند ثمره‌ی این رفتار نادرست، فرزندانی دروغگو خواهند بود!

۳. احیای شخصیت خرد شده

یکی از دلایل عمده‌ی دروغ‌گویی خصوصا در سنین نوجوانی همین عامل است. فرزند ما در سن گذار از کودکی به نوجوانی به تایید و تکریم بیشتری نیاز دارد. او برای ورود به حوزه‌ی بزرگسالی به دنبال مقبولیت و کسب احترام از سوی اطرافیان به ویژه پدر و مادرش است. اما از آنجا که نه به اندازه‌ی لازم کوچک است تا محبت‌ها و توجه‌های خاص کودکان نثارش شود و نه به اندازه‌ی کافی بزرگ است تا مورد احترام و تکریم واقع شود، در شرایط روحی بسیار بدی قرار می‌گیرد. در این دوران حساس که فرزند ما بیش از هر زمانی نیازمند تکریم و احترام است، پدر او را تنبیه می‌کند، مادر سرزنشش می‌کند، برادر بزرگتر تحقیرش می‌کند، خواهر بزرگتر دستش می‌اندازد، ...

در چنین شرایطی فرزند به فکر می‌افتد تا شخصیت خرد شده‌اش را ترمیم کند. او که احتمالا تحت تربیتی سالم قرار نداشته تا بداند می‌تواند با افزایش قابلیت‌های ارزشمندش توجه و احترام مورد نیاز خود را کسب نماید، سریعا به ابزار دروغ‌گویی روی می‌آورد:

- برای خشنودی مادر، تمجیدی که معلم از بغل دستی‌اش کرده را به خود نسبت می‌دهد.
- به پدر می‌گوید دوستانش اصرار کرده‌اند جمعه با هم به سینما بروند ولی او گفته دوست دارد در کنار خانواده‌اش بماند، در حالی که اصلا دوستانش به او پیشنهادی نداده‌اند.

- با آنکه در مسابقه فوتبال یک بار هم پایش به توپ نخورده به برادرش می‌گوید ۲ گل به حریف زده و باعث افتخار تیمش شده،
- برای دوستان و همکلاسی‌هایش پدرش را که کارمند بانک است، رییس شعبه معرفی می‌کند.
- مادرش را که از طبقه‌ای متوسط است، وارث ارثی کلان؛
- عموییش را که شاگرد حجره‌ای در بازار است تاجری موفق در دوی؛
- برادرش را که به تازگی کلاس کامپیوتر می‌رود، خدای کامپیوتر؛
- سفرشان به طالقان را تور آنتالیا؛
- پراپیشان را پرادو؛

...

تأسف بیشتر آنجاست که نوجوان ما برای کسب مقبولیت بیشتر نزد دوستانش خود را فردی متمایل به خلاف و یزه نشان می‌دهد. مثلاً به دروغ می‌گوید که او هم سیگار می‌کشد، یا دوستی از جنس مخالف دارد، یا بی اجازه‌ی پدر و مادر در فلان مهمانی شرکت می‌کند. همین ادعاهای دروغ کم کم او را به سمت بزهکاری خواهد کشاند.

بنابراین، پدران و مادرانی که با رفتارهای نادرست خود موجب تحقیر و تخریب شخصیت فرزندشان می‌شوند نه تنها در آینده با فرزندی دروغگو مواجه خواهند شد بلکه باید منتظر بزهکاری فرزندشان نیز باشند.

۴. کم توجهی

کودکان، تشنه‌ی محبت و توجه هستند. اگر پدر و مادر آنها را از محبت خود لبریز نکنند خودشان دست به کار می‌شوند تا محبت و توجه را به سوی خود جلب نمایند. گاهی این کار را با لجبازی و مخالفت انجام می‌دهند؛ گاهی با سر و صدا و جار و جنجال، گاهی هم با اغراق و دروغگویی.

فرزندمان از مدرسه به خانه می‌آید و می‌خواهد درباره‌ی یک موضوع تکراری و به زعم ما بی ارزش صحبت کند. خسته ایم و حوصله‌ی شنیدن حرفهای طولانی او را نداریم. به او می‌گوییم «خب آخرش چه شد؟» یا می‌گوییم «خسته نشدی انقدر حرف زدی؟» یا به تماشای تلویزیون مشغول می‌شویم و مثلاً به حرف‌های او نیز گوش می‌دهیم یا ...

نتیجه‌ی این رفتار ما باعث می‌شود فرزندمان به دنبال راهی بگردد تا حرف‌هایش را جذاب‌تر و شنیدنی‌تر سازد. در نتیجه دروغ را چاشنی صحبت‌هایش می‌کند. مثلاً به دروغ می‌گوید امروز بخاری کلاس‌شان آتش گرفت و نزدیک بود منفجر شود!

بنابراین اگر نمی‌خواهیم فرزندمان برای جلب توجه ما به خود، به دروغ متوسل شوند، گاهی با آنها هم بازی شویم، گاه آنها را در آغوش بگیریم و نوازش‌شان کنیم، گاه خودمان از آنها بخواهیم تا ماجرای را تعریف کنند و بعد با توجه به جمله جمله‌ی صحبت‌هایشان گوش دهیم.

همواره به یاد داشته باشیم محبت و توجه به فرزند همان اندازه برای سلامت روحش ضروری است که آب برای ادامه‌ی حیات!

۵. مشکل داشتن با مسوولیت واگذار شده

گاهی به کودک یا نوجوان کاری سپرده می‌شود که یا توانایی انجامش را ندارد و یا آن کار را دوست ندارد. کودکی را تصور کنید که در حال آموزش مستقل دستشویی رفتن است. مادر توقع دارد از زمانی که کودکش این کار را می‌آموزد به تنهایی به دستشویی رفته، خود را بشوید و در نهایت با دستانی

تمیز بیرون بیاید. اما کودک که تازه چنین مسوولیتی بر عهده‌اش قرار گرفته با مشکلاتی مواجه می‌شود. مثلاً زمانی که به دستشویی می‌رود دوست ندارد دستانش آلوده شود. به همین دلیل بدون آنکه خود را بشوید لباسش را می‌پوشد. مادر از بیرون دستشویی می‌پرسد خود را تمیز آب کشیدی؟ کودک هم به دروغ می‌گوید «بله». یا وسط برنامه‌ی تلویزیونی مورد علاقه‌اش مجبور می‌شود به دستشویی برود. کودک که هنوز در شستن خود سرعت عمل کافی را پیدا نکرده از مادر می‌خواهد به کمکش بیاید تا بتواند زودتر به تماشای برنامه‌ی محبوبش بپردازد. اما مادر این موضوع را درک نمی‌کند و از این کار امتناع می‌ورزد. کودک نیز برای اینکه سریع‌تر به تلویزیون برسد دستانش را نمی‌شوید اما به دروغ به مادر می‌گوید شسته است!

بنابراین، پدر و مادر در تفویض کارها و ایجاد روحیه‌ی مسوولیت‌پذیری در فرزندان باید به این نکته‌ی مهم توجه داشته باشند که اگر فرزندشان انجام کاری را دوست ندارد یا آن مسوولیت برایش سنگین است با او منعطف برخورد کنند. مثلاً گاهی خود نیز به کمکش بشتابند تا سختی کار او را آزرده و منزجر نسازد. یا برای انجام آن کار زمان بیشتری به او بدهند. در غیر این صورت کودک یا نوجوان ما بخشی از مسوولیتش را به گونه‌ای نامطلوب پیش خواهد برد و برای در امان ماندن از توبیخ و تنبیه والدین، گزارش دروغ به آنها خواهد داد.

همانگونه که ملاحظه فرمودید تمامی دلایل پنج گانه‌ی فوق در بحث چرایی دروغگویی فرزندان به رفتارهای نادرست پدر و مادر باز می‌گردد. بنابراین باز هم تاکید می‌کنیم برای داشتن فرزندان راستگو (و ایمان دار) باید رفتار خود را اصلاح نماییم. برای شروع می‌توانیم به نکات تربیتی زیر عامل شویم:

۱. مادران در زمان بارداری و دوران شیردهی مراقب رفتار و گفتار خود باشند تا با دروغگویی خود جان و روح فرزندشان را آلوده نسازند و زمینه‌ی تمایل وی را به دروغگویی ایجاد نکنند.
۲. در صداقت، الگوی فرزندان باشید. هیچ‌گاه در حضور کودک‌تان دروغ نگویید. اگر احیاناً از سر غفلت دروغ گفتید به هیچ‌عنوان سعی نکنید خطای خود را توجیه نمایید؛ چرا که این اشتباهی بزرگتر است. با این رفتار به کودک می‌آموزید اگر او هم از نظر خود دلیلی موجّه برای دروغگویی داشته باشد، می‌تواند دروغ بگوید.
۳. اگر فرزندان متوجه دروغی که گفتید شد، بی‌درنگ به اشتباه خود اقرار کنید و ضمن عذرخواهی نشان دهید که از عدم صداقت‌تان بسیار پشیمان و متاسف هستید. تلاش کنید تا در صورت امکان دروغ خود را اصلاح نمایید.
۴. از شوخی‌هایی که آمیخته به دروغ است اجتناب کنید. حتی اگر فرزندان متوجه باشد که دروغ شما تنها یک شوخی است، قُبْح دروغگویی نزد او شکسته می‌شود.
۵. هرگز بچه‌ها را به واسطه‌ی خرابکاری‌های غیر عمدی دعوا یا تنبیه نکنید. چراکه کودکان از ترس مجازات یا فریاد و پرخاش شما، به دروغگویی و انکار حقیقت روی می‌آورند. صرفاً در مواردی که فرزندان خطایی را آگاهانه و از روی عمد انجام می‌دهد مستحق تنبیه است.^۶

^۶ . در چنین شرایطی نیز تنبیه باید از جنس محروم‌سازی باشد. در بحث «تشویق و تنبیه» - که در آینده در درسنامه تربیت فرزند ارائه می‌گردد - به این موضوع بیشتر پرداخته می‌شود.

۶. به فرزندان احترام بگذارید. هرگز با توهین یا به رخ کشیدن نقاط ضعفش شخصیت وی را خرد نکنید. خصوصا در حضور دیگران او را گرامی بدارید. در غیر این صورت فرزندان تلاش می‌کند با کمک گرفتن از دروغ برای خود شخصیت و مقبولیت ویژه بسازد.
۷. محبت، محبت، محبت، توجه، توجه، توجه. محبت و توجه دو عامل کلیدی برای رشد و تربیت صحیح فرزندان هستند. چنانچه کودک یا نوجوان از محبت و توجه شما اشباع نشود، تصمیم می‌گیرد به گونه‌ی دیگری این نیاز را تامین کند. گاهی برای جلب این محبت و توجه به تغییر واقعیت و دروغ پردازی روی می‌آورد؛ و گاهی بیرون از خانه و خانواده به دنبال رفع نیازش می‌گردد.
۸. به فرزندان مسوولیتی که خارج از توان یا حوصله‌اش است واگذار نکنید. در غیر این صورت فرزندی مسوولیت گریز و دروغگو خواهید داشت.
۹. اگر فرزندان دوستی دارد که زیاد دروغ می‌گوید رابطه‌شان را کمتر کنید و فرد مناسب دیگری را جایگزین آن دوست نمایید.
۱۰. هرگز فرزندان را در بن بستِ انکار قرار ندهید. چنانچه خطایی انجام داد، در صدد راهنمایی‌اش برآیید نه آنکه مانند پلیس او را بازجویی کنید تا به جرم خود اعتراف نماید. هرگز فضایی برایش ایجاد نکنید که از ترس یا برای حفظ آبروی خود مجبور به انکار خطایش گردد و حقیقت را پنهان سازد. اگر به هر دلیلی رفتار او را انکار نمود در صدد اثبات دروغگویی‌اش بر نیایید و او را شرمنده نسازید. این کار سبب گستاخی و بی باکی او می‌شود.
۱۱. فرزندان باید بدانند جریمه‌ی دروغگویی بیشتر از جریمه‌ی کار نادرست است. برایش توضیح بدهید اگر درباره‌ی خطایی که مرتکب شده حقیقت را بگوید کمتر ناراحت می‌شوید. به عنوان نمونه اگر نوجوان شما در راه بازگشت از مدرسه به خانه برای بازی کامپیوتری به «گیم نت» رفته و علت تاخیرش را به دروغ دیر آمدن سرویس بیان کرده، باید حتما تنبیه شود. مثلا سه روز از تماشای برنامه تلویزیونی محبوبش محروم گردد. اما باید برایش توضیح داده شود که یک روز از این محرومیت مربوط به بی اجازه رفتن به «گیم نت» و دو روز دیگر به دلیل دروغ گفتنش است. به یاد داشته باشید در اجرای مجازات دروغگویی همواره جدی باشید.
۱۲. رفتار و گفتار صادقانه‌ی فرزندان را تحسین و تقویت کنید. صداقتش را تشویق نمایید و خوشحالی خود را از راستگویی او ابراز کنید.
۱۳. از ابزارها و فرصت‌های مختلف مانند تعریف داستان، تماشای فیلم یا رخداد یک ماجرا بهره ببرید و به فرزندان یادآور شوید: صداقت پیامدهای مثبت و خوبی دارد اما دروغگویی موجب ناراحتی خدا و خوشحالی شیطان می‌شود.

سخن آخر آن که:

از خداوند متعال و هدایتگر زنده‌اش در این عصر (مهدی موعود) کمک بخواهیم تا بتوانیم در به کار بستن تدابیر فوق و تربیت فرزندان راست گفتار و درست کردار موفق گردیم. برترین مربیان برای تربیت آدمی، مربیان الهی هستند. بنابراین هیچ کس بهتر از مربی حقیقی این عصر، امام زمان نمی‌تواند زمام تربیت فرزندان را در دست گیرد. عاقبت به خیری و سلامت روح و جان فرزندان را از خدا و حجتش طلب کنیم و پیوسته به ایشان متمسک باشیم.